

# شرح مختصر بیانیه‌های الجزایر

دکتر عبدالغنی احمدی و استانی

## مقدمه

1. نگارش مقاله‌ای گزارش گونه دربارہ بیانیه‌های الجزایر به‌عہدہ اینجانب محول شدہ است. گرچہ بیان فشرده مطالب بیانیہ‌ها در مقالہ بہ‌نحوی کہ گویای ہمہ جوانب امر باشد کار سادہ‌ای نیست، مع الوصف بہ احترام تمایل ابراز شدہ، انجام این وظیفہ را بہ امید یاری خداوند متعال پذیرفتم.

## چند نکته قابل توجہ

اول. بیانیہ‌ها از جذبہ‌های سیا سی، مالی، حقوقی و انتقادی قابل بحث می‌باشند. اما هدف نویسنده در مقالہ حاضر صرفاً یک بررسی کوتاہ حقوقی است؛ گو اینکه ضمن بحث حقوقی ممکن است برحسب ضرورت اشارہ‌ای بہ جذبہ‌های دیگر ہم بشود؛ مخصوصاً بعضی مسائل انتقادی کہ نوعاً جزء لاینفک بحث حقوقی بہ‌شمار می‌رود.

**دوم .** به بحث کشیدن تمام مسائل و جزئیات آنها در حدود ظرفیت این مقاله نیست؛ بلکه در آن زمینه باید سلسله مقالاتی دیگر نگاشته شود. هدف مقاله حاضر در واقع گزارش کوتاهی است از بیانیه‌ها تا هم اطلاعات اجمالی مربوط به آنها را در اختیار علاقمندانی که تاکنون فرصت بررسی بیانیه‌ها را نیافته‌اند، قرار دهد و هم یادآوری باشد برای کسانی که در گذشته به‌نحوی با بیانیه سر و کار داشته، اما در حال حاضر به‌علی‌مهور مانده‌اند؛ وگرنه به لقمانها حکمت آموختن نشانه بی‌خردی است.

**سوم .** برای بیانیه متن رسمی بیانیه وجود ندارد. نسخه فارسی موجود ترجمه متن انگلیسی است که متن اخیر به امضای طرفین رسیده است. به‌همین مناسبت هر جا نقص فاحشی به‌نظر رسید، اصلاحات مقتضی معمول گردید.

**چهارم .** در بسیاری از موارد عین عبارات مواد مربوط نقل شده است تا خوانندگان محترم نیازمند مراجعه به مأخذ اصلی نباشد؛ مضافاً به اینکه گاهی

در پیش چشم داشتن متون مورد استناد موجب سهولت فهم مطالب نیز خواهد بود. **پنجم.** همان طوری که قبلاً اشاره شد هدف نویسنده از این مقاله فقط بحث حقوقی است ولاغیر. بنابراین در موارد ضرورت از همان کلمات و عناوین به کار برده شده در بیانی‌ها که به امضای دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا رسیده استفاده گردیده است تا مقاله از حد یک بحث علمی حقوقی خالص تجاوز ننماید.

### علل پیدایش بیانی‌ها

2. تصرف سفارت سابق امریکا در تهران در تاریخ 13 آبان ماه 1358 (4 نوامبر 1979) وسیله دانشجویان پیرو خط امام و دستگیری و نگهداری 52 تن امریکایی هرچند امری بس خطیر بود، اما پی‌آمدهایی را هم به دنبال داشت که به‌طور طبیعی در هر مبارزه سیاسی اینچنین، مورد انتظار است. اهم این پی‌آمدها به‌قرار زیر می‌باشند:

9 ❖ شرح مختصر بیانی‌های الجزایز

— قطع کامل ارتباط بین حکومت‌های  
جمهوری اسلامی ایران و آمریکا.  
— توقیف تمام دارایی‌های دولت  
جمهوری اسلامی ایران موجود در آمریکا و  
شعب خارجی بانک‌های امریکایی.  
— تحریم بازرگانی ایران از طرف  
آمریکا.

— طرح دعاوی بسیاری از طرف  
آمریکاییان در دادگاه‌های آن کشور علیه  
ایران، از بابت قراردادهای گذشته و  
خسارات مورد ادعای خودشان.

البته پی‌آمدهای واقعه مذکور منحصر  
به همین امور نبوده است. اقدام نظام  
آمریکا در خاک ایران که به حادثه طبس  
شهرت یافته، سختگیری غیرمتعارف  
بین‌المللی نسبت به ایرانیان مقیم  
آمریکا و ضرب و شتم و اخراج بعضی از  
آنها نیز از جمله پی‌آمدهای همین واقعه  
به شمار می‌روند. النهایه چون بحث فعلی  
ما به اقتضای طبع مجله حاضر فقط ناظر  
به مسائل حقوقی است، بنابراین آن دسته  
از پی‌آمدهایی را که با بیانیه‌های  
الجزایر ارتباط تنگاتنگ دارند، و در  
بیانیه‌ها برای آنها راه‌حلهای معینی

در نظر گرفته شده است، به عنوان مهمترین آنها برشمردیم.

به منظور حل و فصل مشکلات موجود، قرار بر این شده بود که دولتین ایران و امریکا با وساطت دولت الجزایر چارچوب روشهای آینده خویش را نسبت به یکدیگر مشخص نمایند. پس از مذاکرات غیرمستقیمی که از طریق دولت الجزایر براساس این فکر به عمل آمده بوده، مآلاً تعهدات متقابل طرفین در بیانیه‌ها منعکس و از طرف دولت الجزایر منتشر گردیده است.

### تعداد بیانیه‌ها

3. تحت عنوان بیانیه الجزایر، دو سند انتشار یافته است. اولی به نام «بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردم الجزایر» شامل 4 ماده و 17 بند که می‌توان آن را محض رعایت سهولت استعمال به بیانیه مادر یا اصلی یا کلی خلاصه نمود. ظاهراً عنوان اختصاری «بیانیه کلی» برای آن مناسبتر است، از این جهت که تعهدات کلی طرفین در آن منعکس می‌باشد.

دومي به اسم «بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردم الجزایر راجع به حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران» که به موجب بند 2 بیانیه کلی اختصاراً به «بیانیه حل و فصل دعاوی» موسوم گردیده و در واقع مکمل بیانیه نخستین به شمار می‌رود.

به این بیانیه‌ها یک سند تعهدات به عنوان «تعهدات دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر» ضمیمه است که می‌توان گفت در آن، روش اجرای بعضی از تعهدات مالی طرفین مندرج در بیانیه کلی انعکاس یافته است. بیانیه‌ها و سند تعهدات، همزمان در تاریخ بیست و نهم دی ماه 1359 مطابق با نوزدهم ژانویه 1981 وسیله دولتین امضا شده و در همان تاریخ توسط دولت الجزایر انتشار یافته و از همان تاریخ نیز لازم‌الاجرا تلقی گردیده است.

البته اسناد دیگری تحت عناوین «موافقتنامه امانی» و «موافقتنامه فنی»

به امضا رسیده است که بعداً به مناسبت بدانها اشاره خواهد شد.

### «بیانیه» در حقوق بین‌الملل عمومی

4. از لحاظ حقوق بین‌الملل عمومی، هر نوع نوشته و سند دو یا چند جانبه‌ای را که در بردارنده حقوق و تعهداتی برای امضاکنندگان آن باشد، صرف‌نظر از نام و عنوان آنها عهدنامه یا معاهده (Treaty) گویند. بیانیه که معادل اعلامیه و ترجمه کلمه Declaration می‌باشد در حقوق بین‌الملل عمومی چند قسم است. یک قسم از آن که حاکی از تعهداتی است، جزو عهدنامه محسوب می‌گردد. بنابراین بیانیه‌های الجزایر که متضمن حقوق و تعهداتی جهت طرفین آن است عهدنامه بین‌المللی تلقی می‌شوند. به علاوه این بیانیه‌ها شامل قرارنامه داوری نیز هستند؛ زیرا بعضی از مندرجات بیانیه کلی و تقریباً تمام مواد بیانیه حل و فصل دعاوی، راجع به تشکیل هیأت داوری و مسائل مربوط بدان است. چنین چیزی جز به قرارنامه داوری قابل تعبیر نیست.

## مسائل پیش‌بینی شده در بیانیه‌ها

5. قبلاً اشاره شد که مقارن تدوین بیانیه‌ها اختلافات چندی بین ایران و امریکا وجود داشته است که مهمترین آنها عبارت بودند از:

– درخواست امریکا دائر به آزادی و تحویل 52 تن امریکایی دستگیری شده.

– وجود دعاوی زیادی علیه ایران در دادگاه‌های امریکا که از طرف اتباع آن کشور تا آن تاریخ اقامه شده بود؛ همچنین شکایتی که دولت امریکا در مورد حادثه سفارت سابق امریکا علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه (I.C.J.) طرح کرده بود.

– تمایل و اصرار ایران به تعهد امریکا به منظور عدم مداخله در امور ایران.

– مسأله توقیف دارایی‌های ایران در امریکا.

– موضوع تحریم بازرگانی ایران از طرف امریکا.

– مطالبه دارایی‌های وراثت و بستگان شاه سابق موجود در امریکا، از طرف ایران.



در بیانیه‌ها جهت هر يك از این موضوعات راه‌حلهایی در نظر گرفته شده و توافقهایی به عمل آمده است که اکنون به‌طور خلاصه راجع به آنها توضیحاتی داده خواهد شد.

**اول – آزادی 52 تن امریکایی دستگیر شده**  
**6.** درباره این مسأله هم در بیانیه کلی و هم در سند تعهدات، عباراتی مندرج است.

### **بند 3 بیانیه کلی:**

«ترتیبات سپرده‌گذاری متضمن این شرط خواهد بود که چنانچه دولت الجزایر نزد بانک مرکزی الجزایر گواهی خروج ایمن 52 تبعه ایالات متحده را از ایران صادر نماید، بانک مرکزی الجزایر براساس آن به «بانک مرکزی»<sup>1</sup> دستور خواهد داد فوراً تمام وجوه و دیگر داراییهای موجود در حساب امانی نزد بانک مرکزی را براساس این بیانیه منتقل نماید...».

---

**1.** منظور بانک مرکزی انگلیس است که نگهدارنده حساب امانی به نام مرکزی الجزایر می‌باشد.

## بند 1 سند تعهدات:

«به مجرد اینکه بانک مرکزی الجزایر به دولت الجزایر، دولت ایران و ایالات متحده امریکا اطلاع دهد که بانک مرکزی اطلاع داده است که برای حساب سپرده دلار، شمش طلا و اوراق بهادار به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان حساب مسدودی مخصوص، پول نقد و سایر وجوه و همچنین 1.362.917/799 اونس طلا (که به وسیله طرفین بدین منظور معادل 939/7 میلیون دلار ارزیابی شده) و اوراق بهادار (ارزش اسمی) به ارزش مجموع 7/955 میلیارد دلار امریکا دریافت نموده است، ایران بلافاصله عزیمت ایمن 52 تبعه امریکا را که در ایران نگهداری میشوند، عملی میسازد».

بندهای 10 و 11 و 12 و 13 و 14 بیانیه کلی نیز آشکارا ناظر به همین مطلب میباشند؛ زیرا در تمام آنها تصریح گردیده است که به محض صدور گواهی مذکور در بند 3 بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده اقدامات مشخصی را انجام خواهد

داد. گواهی مذکور در بند 3 هم راجع به آزادی 52 تن امریکایی است.

7. از مجموع این متون و دیگر متون مربوط به داراییهای ایران، مقدمات لازم برای تحویل 52 نفر امریکایی مشخص می‌شود. بدین ترتیب که:

الف - ایران و امریکا بانک مرکزی یکی از کشورها را به عنوان نگهدارنده حساب امانی به نام بانک مرکزی الجزایر انتخاب خواهند نمود، که پس از انتشار بیانیه‌ها بانک مرکزی انگلیس برگزیده شده است.

ب - پس از گشایش حساب امانی در بانک مرکزی منتخب، امریکا داراییهای ایران را به ترتیبی که در بندهای مختلف بیانیه کلی و سند تعهدات توافق گردیده است، به حساب امانی نزد بانک مرکزی نامبرده منتقل خواهد نمود تا در آن حساب به نام بانک مرکزی الجزایر نگهداری شود.

پ - بانک مرکزی نگهدارنده حساب امانی به نام بانک مرکزی الجزایر اعلام

می‌دارد که دارایی‌های نامبرده شده در بیانیه را از امریکا دریافت داشته است. ت - بانک مرکزی الجزایر این اعلام بانک مرکزی نگهدارنده حساب امانی را به اطلاع دولت الجزایر، دولت ایران و دولت ایالات متحده امریکا می‌رساند.

بعد از انجام این مقدمات آنگاه دولت ایران بنابه عبارت ذیل بند یک سند تعهدات، 52 تبعه امریکا را برای تحویل به مقامات امریکایی و از طریق دولت الجزایر اعزام خواهد داشت.

به طوری که ملاحظه می‌شود رفع توقیف از دارایی‌های ایران و انتقال آنها یکی از شرایط عمده آزادی 52 نفر امریکایی بوده است.

در عمل به همین ترتیب رفتار شده است و 52 تن امریکایی با تحقق مقدمات مذکور یعنی انتقال دارایی‌های ایران به «بانک مرکزی»، اعزام گردیده‌اند.

**دوم - دعاوی اقامه شده علیه ایران در دادگاه‌های امریکا و دیوان بین‌المللی دادگستری**

**8.** پس از حادثه سفارت سابق امریکا تعدادی از امریکاییان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران یا سازمان‌های مختلف دولت ایران که در گذشته با آنها قراردادهایی داشته‌اند و بعد از انقلاب اسلامی اجرایی تعهدشان را تعطیل نموده بودند، دادخواست‌هایی به دادگاه‌های امریکا داده و تقاضای تأمین خواسته‌هایشان را کرده بودند. دادگاه‌ها نیز به درخواست‌های آنان پاسخ مثبت داده و از این راه قسمت‌هایی از دارایی ایران موجود در امریکا را به نفع خواهان‌های امریکایی تأمین کرده بودند.<sup>2</sup>

دعاوی به اضافه ادعاهایی که دولت ایران علیه امریکا داشت، موجب بروز یک رشته اختلافات دیگری گردید که برای حل آنها در بیانیه‌ها راه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

### **بند ب اصول کلی بیانیه کلی:**

---

**2.** البته بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی امریکایی حتی قبل از حادثه مذکور نیز مبادرت به طرح دعوی علیه سازمان‌های مختلف ایرانی طرف قرارداد خود کرده بودند.

«قصد هر دو طرف، در چارچوب و پیرو شرایط دو بیانییه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر این است که کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کلیه این دعاوی را از طریق یک داوری لازم‌الاجرا فراهم نمایند. از طریق ترتیبات مندرج در بیانییه مربوط به حل و فصل دعاوی، ایالات متحده موافقت می‌نماید که به تمام اقدامات حقوقی در دادگاههای ایالات متحده که متضمن دعاوی اتباع و مؤسسات امریکایی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است خاتمه دهد و کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو، سایر دعاوی براساس چنین ادعاهایی را ممنوع، و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهایی را از طریق داوری لازم‌الاجرا فراهم نماید».

### **بند 11 بیانییه مزبور:**

«به محض صدور گواهی مذکور در بند 3 توسط دولت الجزایر ایالات متحده فوراً تمام دعاوی که در حال حاضر علیه

ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح است پس خواهد گرفت و از آن به بعد نیز از اقامه دعوا در مورد هرگونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با:

الف - عمل دستگیری 52 نفر اتباع ایالات متحده در 13 آبان ماه 1358 (4 نوامبر 1979)؛

ب- توقیف دستگیرشدگان؛

ج - خسارات وارده به اموال ایالات متحده یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت امریکا در تهران بعد از 12 آبان ماه 1358 (3 نوامبر 1979)؛

د- صدمات وارده به اتباع ایالات متحده یا اموال آنها در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد نمود. ایالات متحده همچنین مانع از اقامه دعوا علیه ایران در دادگاه‌های امریکا توسط اشخاص غیرامریکایی در باره ادعاهای

**شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز ❖ 21**

حال یا آینده ناشی از حوادث ذکر شده در این بند، خواهد گردید».

**9.** نظر به اینکه روش اجرایی این بندها به تفصیل در بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر گردیده و داوری خود موضوعی مهم و درخور بحث کامل جداگانه‌ای است، لذا توضیحات مفصل راجع به این امر در مبحث داوری داده خواهد شد. در اینجا همین قدر اشاره می‌شود که پس از انتشار بیانیه و صدور گواهی دولت الجزایر مبنی بر عزیمت 52 تن امریکایی، به‌جای صدور دستور ختم دعاوی، دستور توقیف رسیدگی به دعاوی امریکاییان به دادگاههای امریکا جهت طرح آنها در هیأت داوری که قرار بود تشکیل شود، صادر گردیده است.

### **سوم- عدم مداخله امریکا**

**10.** یکی از اختلافات شدید فیما بین مربوط بود به مداخلات سابق امریکا و مداخلات احتمالی آینده آن دولت در امور ایران. پافشاری ایران در این باب سبب



شد که دولت امریکا در ماده يك بيانيه كلي صراحتاً به عدم مداخله متعهد گردیده است.

### متن ماده مذکور چنین است:

«ایالات متحده امریکا متعهد می‌نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله ننماید».

### چهارم- آزادي داراييهاي ايران

11. از جمله اقدامات دولت امریکا، توقیف کلیه داراییهای ایران موجود در امریکا یا شعب خارجی بانکهای امریکایی بوده است. این توقیف به موجب دستور اجرایی مورخ 14 نوامبر 1979 کارتر رئیس جمهور سابق امریکا به عمل آمده است. عین عبارت در زیر آورده می‌شود:

«بر اساس اختیاری که به عنوان رئیس جمهور امریکا، قانون اساسی و سایر قوانین ایالات متحده از جمله قانون اختیارات فوق‌العاده (اضطراری)

اقتصادی بین‌المللی و قانون وضع فوق‌العاده ملی به‌عهدۀ من گذاشته است، من جیمی کارتر رئیس‌جمهور ایالات متحده به این نتیجه می‌رسم که اوضاع ایران برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا به‌طور فوق‌العاده و غیرعادی ایجاد مخاطره نموده و بدین وسیله به منظور مقابله با مخاطره مذکور حالت فوق‌العاده اعلام می‌نمایم. من بدین‌وسیله دستور می‌دهم کلیه اموال و منافع مربوط بدان اموال متعلق به دولت ایران، مؤسسات وابسته و تحت کنترل دولت مذکور و نیز بانک مرکزی ایران که در قلمرو ایالات متحده هستند یا قرار می‌گیرند یا در تصرف و کنترل اتباع آمریکا بوده و یا درخواهند آمد، مسدود گردند.

وزیر خزانه‌داری آمریکا مجاز می‌باشد کلیه اختیاراتی را که براساس قانون اختیارات فوق‌العاده اقتصادی بین‌المللی به من تفویض گردیده است، برای این دستور مورد استفاده قرار دهد. این دستور بلافاصله لازم‌الاجرا است و به‌کنگره آمریکا اعلام و در دفتر

دولت فدرال ثبت و منتشر خواهد  
گردید».

مقداری از دارایی با قرار  
دادگاههای امریکا نیز به نفع خواهانهای  
امریکایی تأمین شده بود. دولت امریکا  
مطابق بیانیه الجزایر به رفع توقیف و  
انتقال کلیه این داراییها به ایران  
متعهد گردیده بود.

**12.** در بیانیه برای انجام این امر  
مکانیسم تقریباً پیچیده‌ای پیش‌بینی شده  
است که درک درست آن برای کسانی که روی  
بیانیه‌ها کار نکرده و با این قسمت از  
بیانیه‌ها سر و کاری نداشته‌اند، نیازمند  
به توضیحات مفصل‌تری می‌باشد. قبل از هر  
چیز باید دید که متن بیانیه در این باب  
چه گفته است.

## از بیانیه کلی

### بند الف اصول کلی:

«در چارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه  
دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی  
الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان  
وضعیت مالی ایران را به صورت موجود

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایر ❖ 25

قبل از 13 آبان ماه 1358 (4 نوامبر 1979) باز خواهد گرداند. در این چارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرك و انتقال آزاد کلیه داراییهای ایران موجود در قلمرو قضایی خود را به شرحی که در بندهای 4 تا 9 خواهد آمد، تأمین نماید».

## بند 2:

«ایران و ایالات متحده (از این به بعد - طرفین - نامیده خواهند شد) بلافاصله یک بانک مرکزی (از این به بعد - بانک مرکزی - نامیده خواهد شد) قابل قبول طرفین انتخاب خواهند نمود که طبق دستورات دولت الجزایر و بانک مرکزی الجزایر (بعد از این - بانک مرکزی الجزایر - نامیده خواهد شد) به عنوان حافظ حساب امانی (Escrow) و وجوه تضمینی که ذیلاً تشریح می‌شود، عمل خواهد نمود. طرفین بلافاصله ترتیبات لازم برای گشایش حسابهای سپرده را طبق شرایط این بیانیه با بانک مرکزی خواهند داد. تمام وجوه سپرده شده در حساب امانی در بانک مرکزی طبق این

بیانیه در حسابی به نام بانک مرکزی  
الجزایر نگهداری خواهد گردید...»

### بند 3:

«ترتیبات سپرده‌گذاری متضمن این شرط  
خواهد بود که چنانچه دولت الجزایر  
نزد بانک مرکزی الجزایر گواهی خروج  
ایمن 52 تبعه ایالات متحده را از  
ایران صادر نماید، بانک مرکزی  
الجزایر براساس آن به بانک مرکزی  
دستور خواهد داد فوراً تمام وجوه و  
دیگر داراییهای موجود در حساب امانی  
نزد بانک مرکزی را براساس این بیانیه  
منتقل نماید...».

### بند 4:

«به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به  
حساب امانی در بانک مرکزی، ایالات  
متحده تمام طلاهای متعلق به ایران نزد  
بانک فدرال رزرو نیویورک به انضمام  
کلیه داراییهای دیگر ایران (یا معادل  
نقدی آنها) نزد بانک فدرال رزرو را  
به بانک مرکزی انتقال خواهد داد که  
در حساب امانی نزد بانک مرکزی

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز ❖ 27

نگهداري خواهد شد تا زماني كه انتقال يا برگشت آنها طبق بند 3 مذكور در فوق الزام آور گردد».

## بند 5:

«به محض انجام ترتيبات ضروري مربوط به حساب امني نزد بانك مركزي، ايالات متحده تمام سپرده ها و اوراق بهاداري را كه در روز 14 نوامبر 1979 يا پس از آن در دفاتر شعب خارجي بانكهاي امريكايي ثبت شده است، به همراه بهره متعلقه تا 31 دسامبر 1980 به بانك مركزي - حساب بانك مركزي الجزاير - منتقل خواهد كرد كه نزد بانك مركزي در حساب بانك مركزي الجزاير خواهد ماند تا زماني كه برگشت يا انتقال آنها طبق بند 3 مذكور در فوق الزام آور گردد».

## بند 6:

«با پذيرش اين بيانيه و بيانيه حل و فصل دعاوي منضم به آن توسط ايران و ايالات متحده و به دنبال پايان يافتن ترتيبات مربوط به گشايش حساب تضميني

بهره‌دار نزد بانک مرکزی که در بیانیه  
اخیر و بند 7 زیر مشخص شده است و  
ترتیبات آن طی 30 روز از تاریخ این  
بیانیه داده خواهد شد، ایالات متحده  
در ظرف شش ماه از آن تاریخ جهت  
انتقال تمام سپرده‌ها و اوراق بهادار  
ایران نزد مؤسسات بانکی در امریکا به  
اضافه بهره متعلقه به بانک مرکزی عمل  
خواهد کرد که به صورت حساب امانی نزد  
بانک مرکزی باقی خواهد ماند تا زمانی  
که انتقال یا برگشت آنها طبق بند 3  
مذکور الزام آور گردد».

## بند 7:

«به مجرد وصول وجوه مندرج در بند 6  
بالا توسط بانک مرکزی، بانک مرکزی  
الجزایر به بانک مرکزی دستور خواهد  
داد که (1) نیمی از مبالغ دریافتی را  
به ایران انتقال دهد و (2) نیم دیگر  
را در یک حساب تضمینی بهره‌دار نزد  
بانک مرکزی بسپارد تا آنکه میزان  
موجود حساب تضمینی به یک میلیارد دلار  
برسد. پس از رسیدن به سطح یک میلیارد  
دلار بانک مرکزی الجزایر دستور خواهد

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز ❖ 29

داد که تمام مبالغی که به موجب بند 6 دریافت می‌شوند به ایران منتقل گردند...».

## بند 8:

«با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل دعاوی منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و به دنبال پایان یافتن ترتیبات مربوط به گشایش حساب تضمینی که طی 30 روز از تاریخ این بیانیه خاتمه خواهد پذیرفت، ایالات متحده علاوه بر داراییهایی که در بندهای 5 و 6 مذکور به آنها اشاره شده است، در مورد انتقال تمام اموال ایران (یعنی وجوه و اوراق بهادار) که در ایالات متحده و در خارج از آن کشور موجود است، به بانک مرکزی اقدام خواهد کرد، تا زمانی که انتقال یا برگشت آنها طبق بند 3 مذکور الزام آور گردد».

## بند 9:

«با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل دعاوی منضم به آن، توسط ایران و



ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند 3 مذکور توسط دولت الجزایر، ایالات متحده براساس مفاد مقررات قانون قبل از 14 نوامبر 1979 این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد.»

## از سند تعهدات

### بند يك:

«به‌مجرد اینکه بانک مرکزی الجزایر به دولت الجزایر، دولت ایران و ایالات متحده امریکا اطلاع دهد که بانک مرکزی اطلاع داده است که برای حساب سپرده دلار، شمش طلا و اوراق بهادار به نام بانک مرکزی الجزایر به‌عنوان حساب مسدودی مخصوص، پول نقد و سایر وجوه و همچنین 632/917/779 را اونس طلا (که به‌وسیله طرفین بدین منظور در حد معادل 939/7 میلیون دلار امریکا ارزیابی شده) و اوراق بهادار (ارزش اسمی) به ارزش مجموع 7.955 میلیارد

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز ❖ 31

دلار امریکا دریافت نموده است، ایران بلافاصله عزیمت ایمن 52 تبعه امریکا را که در ایران نگهداری می‌شوند، عملی می‌سازد».

## بند 2:

«با تأیید ایران مبنی بر تمایلش به پرداخت کلیه بدهی‌هایش و بدهی‌های مؤسسات در اختیارش، بانک مرکزی براساس مفاد بند یک فوق، دستورات ذیل را به بانک مرکزی صادر خواهد کرد:

الف - انتقال 3/667 میلیارد دلار به بانک فدرال رزرو نیویورک بابت پرداخت اصل و بهره پرداخت نشده تا 31 دسامبر 1980:

1- نسبت به کلیه وامها و اعتبارات اعطا شده به وسیله سندیکایی از مؤسسات بانکی که حداقل یک مؤسسه بانکی امریکا در آن عضویت دارد، به دولت ایران و سازمانها و مؤسسات و واحدهای در اختیارش.

2- کلیه وامها و اعتبارات اعطایی به وسیله سندیکایی که این وامها و اعتبارات توسط دولت ایران یا یکی از

سازمانها، مؤسسات و واحدهاي تحت  
اختيارش ضمانت شده است.  
بد نگره داري 1/418 ميليارد دلار در حساب  
اماني مخصوص به منظور پرداخت اصل  
بازپرداخت نشده و بهره متعلقه نسبت  
به وامها و اعتباراتي که در بند الف  
فوق مذکور گرديد و پس از مصرف 3/667  
ميليارد دلار امريکا و همچنين نسبت به  
پرداخت ساير بدهيهاي مربوط به مؤسسات  
بانکي امريکا و يا تضمين شده به وسيله  
دولت ايران، سازمانها، مؤسسات و  
واحدهاي تحت اختيارش که تاکنون  
پرداخت نشده و همچنين به منظور پرداخت  
مبالغ مورد اختلاف در مورد سپردهها،  
داراييها و بهره متعلقه (در صورت  
وجود) به سپردههاي ايران در مؤسسات  
بانکي امريکا...».

**13.** علاوه بر آنها موافقتنامههاي زير در  
رابطه با اين قسمت از بيانيه و سند  
تعهدات به امضا رسیده است:  
– موافقتنامه اماني مورخ 30 دي ماه  
1359 (20 ژانويه 1981) بين دولت ايالات  
متحدة امريکا، بانک فدرال رزرو نيويورک

شرح مختصر بيانيههاي الجزايز ❖ 33

به عنوان نماینده مالی ایالات متحده امریکا، بانک مرکزی ایران به عنوان ذینفع و بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی، که موضوع آن تعیین بانک مرکزی الجزایر به سمت «نماینده امانی» طرفین می باشد.

– ترتیبات فنی مورخ 30 دی ماه 1359 (20 ژانویه 1981) بین بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی، بانک مرکزی انگلیس، بانک فدرال رزرو نیویورک به عنوان نماینده مالی ایالات متحده که به موجب آن بانک مرکزی انگلیس به عنوان نگهدارنده «حساب امانی» که به نام بانک مرکزی الجزایر باز می نماید (یا امانتدار) انتخاب شده است.

— دو موافقتنامه فنی مورخ 26 مردادماه 1360 (17 اوت 1981) بین بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی، بانک مرکزی ایران، بانک فدرال رزرو نیویورک به عنوان نماینده مالی ایالات متحده امریکا از یک طرف و بانک هلند با سرمایه محدود و بانک تسویه هلند با سرمایه محدود از طرف دیگر. این دو موافقتنامه راجع به افتتاح و نگهداری

حساب تضمینی و مسائل مربوط بدان می‌باشند.

**14.** گرچه قرائت متون متعدد و مفصل مذکور ممکن است برای بعضی از خوانندگان محترم ملال‌آور باشد، ولی آوردن عین آنها در اینجا لازم به نظر رسید تا هم آن دسته از خوانندگان که فرصت مراجعه به سند کار را ندارند، آن را در اختیار داشته باشند و هم ملاحظه شود که انتقال دارایی‌های ایران با فرمول ساده و روشن همه فهمی انجام نگرفته است.

پیچیدگی روش، ظاهراً از حد متعارف خارج است، یا لاقلاً تعدد اسناد و متون موجب این پیچیدگی گردیده است. به هر حال هر کسی که بخواهد این قسمت از بیانیه را تقریباً همه فهم سازد، ناچار باید از خود متون موقتاً درگذرد و راه حل قضیه را با در نظر گرفتن منظور طرفین بیانیه با انشای خویش بیان نماید. هدف نگارنده هم جز این نیست؛ هرچند ممکن است به شایستگی از عهده این کار برنیاید.

**15.** پس از جمع و تفریق متون یاد شده و تنقیح آنها معلوم می‌شود که انتقال دارایی‌های ایران مستلزم انجام سلسله

امور زیر به ترتیب متوالی و مرحله به مرحله، بعد از امضای بیانییه‌ها بوده است:

1. بانک مرکزی الجزایر به‌عنوان نماینده امانی دولتین ایران و امریکا انتخاب شود و عمل نماید. این امر به موجب موافقتنامه مورخ 30 دی ماه 1359 (20 ژانویه 1981) انجام گردید.

2. دولتین ایران و امریکا، بانک مرکزی یکی از کشورها را به‌عنوان حافظ حساب امانی برگزینند. این گزینش هم مطابق ترتیبات فنی مورخ 30 دی ماه 1359 (20 ژانویه 1981) به عمل آمد و بانک مرکزی انگلیس جهت این وظیفه برگزیده شد.

3. بانک مرکزی منتخب حساب مخصوصی به عنوان حساب امانی به نام نماینده امانی که بانک مرکزی الجزایر است، افتتاح کند.

4. پس از اعلام گشایش حساب امانی، دولت امریکا تدریجاً تمام داراییهای ایران را به بانک مرکزی نامبرده و به حساب بانک مرکزی الجزایر منتقل سازد.

5. انتقال داراییهای ایران به حساب امانی از طرف بانک مرکزی الجزایر به دولت الجزایر، دولت ایران و ایالات متحده امریکا اعلام گردد.

6. دولت جمهوری اسلامی ایران 52 نفر امریکایی دستگیر شده را سالم برای تحویل به مقامات امریکایی از ایران و از طریق مقامات الجزایری، اعزام دارد.

7. دولت الجزایر خروج 52 تن امریکایی را به بانک مرکزی الجزایر اطلاع دهد.

8. بانک مرکزی الجزایر به بانک مرکزی نگهدارنده حساب امانی دستور دهد که تمام وجوه و سایر داراییهای موجود در حساب امانی را به حسابهای دیگر پیشبینی شده در بیانیه کلی و سند تعهدات انتقال دهد.

16. انتقال داراییهای ایران به ترتیب مزبور عمل گردید. به طوری که از بند یک سند تعهدات فهمیده می شود، کل این دارایی که همزمان با امضای بیانیه ها از طرف امریکا به حساب امانی نزد بانک مرکزی انگلیس سپرده شده بالغ

بر 7/955 میلیارد دلار بوده که به ترتیب  
ذیل تقسیم گردیده است:

الف- معادل 3/667 میلیارد دلار به  
فدرال رزرو نیویورک بابت بازپرداخت  
اصل و بهره بدهی‌های پرداخت نشده  
دولت ایران، یا سازمان‌های آن، یا  
تضمین شده از طرف آنها به سندیکای  
مؤسسات بانکی که حداقل یک مؤسسه  
بانکی امریکایی در آن عضویت دارد.  
ب- معادل 1/418 میلیارد دلار در حساب  
امانی مخصوص به منظور بازپرداخت  
مازاد اصل و بهره وامها و اعتبارات  
سندیکایی مؤسسات بانکی در صورتی که  
مبلغ 3/667 میلیارد دلار قبلی کفایت  
نکند. و همچنین بازپرداخت سایر  
بدهی‌های مربوط به مؤسسات بانکی  
غیرسندیکایی امریکا.

پ- بقیه دارایی با تشریفات که در  
بیانیه کلی و سند تعهدات مقرر شده  
است در اختیار بانک مرکزی ایران و  
نتیجتاً دولت جمهوری اسلامی ایران  
قرار گرفت.

ت- بقیه داراییها در اجرای بند 6  
بیانیه کلی منتقل شده که یک



میلیارد آن به حساب تضمینی دیوان  
داوری واریز و بقیه به بانک مرکزی  
ایران تسلیم شده است.

**17.** برای نگهداری یک میلیارد دلار  
حساب تضمینی با «بانک هلند با سرمایه  
محدود» و «بانک تسویه هلند با سرمایه  
محدود» که منحصراً و به همین منظور  
تأسیس گردیده و وابسته به «بانک هلند  
با سرمایه محدود» می‌باشد، توافق‌هایی  
شده است. به موجب شق یک بند الف  
موافقتنامه فنی با بانک تسویه هلند سه  
نوع حساب تضمینی در بانک اخیر گشایش  
یافته است، به این قرار:

– حساب تضمینی (الف) که کلیه وجوه  
بانکی رسیده از امریکا ابتدا در آن  
ریخته شده است.

– حساب تضمینی (ب) که نیمی از وجوه  
بانکی نامبرده در بالا تا معادل یک  
میلیارد دلار به منظور پرداخت محکوم به  
احکام دوری که به نفع اتباع امریکا و  
علیه ایران صادر می‌شود به این حساب  
واریز شده است. راجع به این حساب بعداً  
هنگام بحث از اجرای احکام دوری مطالبی  
خواهیم داشت.

– حساب تضمیني (ج) جهت ننگ هداري بهره حساب تضمیني تا تعیین تکلیف نهایی آن. چون در تاریخ انعقاد موافقتنامه با بانک تسویه هلند، بانک مرکزی ایران و فدرال رزرو نیویورک در مورد نحوه ننگ هداري یا تصرف بهره حساب تضمیني اختلاف نظر داشته اند، لذا چنین توافق کرده بودند که موضوع را به دیوان داوري ارجاع نمایند و تا تعیین تکلیف آن از طرف دیوان، بهره نامبرده در حساب تضمیني (ج) ننگ هداري شود و سپس برابر رأی دیوان عمل گردد.

راجع به این مطلب در تاریخ 1361/5/22 رأی از طرف اکثریت هیأت عمومی دیوان داوري در پرونده (A-1) صادر شده است که به موجب آن بهره حساب تضمیني (ب) باید تا پایان داوري در حساب مخصوص ننگ هداري گردد؛ به نحوی که دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند از آن، در مواقعی که موجودی حساب تضمیني (ب) به سطح پایینتر از 500 میلیون دلار می‌رسد، به منظور تکمیل حساب مذکور استفاده نماید.

## پنجم- لغو تحریم بازرگانی

18. اختلاف دیگر بین ایران و امریکا تحریم بازرگانی ایران از طرف امریکا بوده که به موجب دستور مورخ 14 نوامبر 1979 کارتر به عمل آمده است.

دولت امریکا نه تنها بازرگانی خود و اتباعش را با ایران تحریم نموده بود، بلکه متحدان اروپایی خویش و ژاپن را نیز وادار ساخت تا در این امر شرکت کنند. در بند 10 بیانیه کلی صراحتاً تعهد به لغو تحریم بازرگانی کرده است.

### بند 10 بیانیه کلی:

«به محض صدور گواهی مذکور در بند 3 توسط الجزایر، ایالات متحده تمام تحریم‌های بازرگانی را که از 13 آبان ماه 1358 (4 نوامبر 1979) تاکنون علیه ایران اعمال گردیده است، لغو خواهد نمود».

علیرغم این تعهد و با وجود تحویل 52 تن امریکایی، دولت امریکا تاکنون تحریم بازرگانی با ایران را به نحوی که در بیانیه آمده، لغو ننموده است.

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایر ❖ 41

**ششم- برگشت داراییهای خانواده شاه سابق**  
**19.** بندهای 12 تا 16 بیانیه کلی  
الجزایر راجع به این موضوع هستند که در  
زیر نقل می‌شوند:

### **بند 12:**

«به محض صدور گواهی مذکور در بند 3<sup>3</sup>  
توسط دولت الجزایر، ایالات متحده  
اموال و داراییهای موجود در امریکا  
را که تحت کنترل وراثت شاه سابق و یا  
هر يك از بستگان نزديك وي بوده است،  
و به عنوان خواننده از جانب ایران،  
به منظور برگرداندن اموال و داراییهای  
متعلق به ایران در دادگاههای ایالات  
متحده بر علیه آنان طرح دعوی می‌شود،  
مسدود و انتقال آنها را ممنوع خواهد  
نمود.

دستور انسداد اموال و داراییهای هر  
يك از خوانندگان و همچنین ماترك شاه  
سابق تا پایان جریان دادرسی به قوت  
خود باقی خواهد بود. تخلف از دستور

---

**3.** همانطور که قبلاً اشاره شد، منظور از این گواهی،  
گواهی خروج ایمن 52 تبعه امریکا از ایران است که دولت  
الجزایر صادر کرده است.

انسداد، مستوجب مجازات‌های کیفری و مدنی مقرر در قوانین ایالات متحده خواهد بود».

### **بند 13:**

«به محض صدور گواهی مذکور در بند 3 بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده به تمام اشخاص مقیم در حوزه قضایی امریکا دستور خواهد داد که ظرف 30 روز کلیه اطلاعات موجود در نزد آنها در تاریخ 12 آبان ماه 1358 (3 نوامبر 1979) و نیز در تاریخ دستور، در رابطه با اموال و دارایی‌های مذکور در بند 12 را به منظور ارسال به ایران به خزانه داری ایالات متحده گزارش دهند. تخلف از این مقرر مستوجب مجازات‌های کیفری و مدنی مندرج در قوانین ایالات متحده خواهد بود».

### **بند 14:**

«به محض صدور گواهی مذکور در بند 3 فوق توسط دولت الجزایر، ایالات متحده به کلیه دادگاه‌های ذی‌ربط ایالات متحده اعلام خواهد کرد که در مورد دعوی

**43 ❖ شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز**

مندرج در بند 12، ادعای ایران، نیایستی چه به استناد اصل «مصونیت رئیس کشور» یا به استناد «نظریه حاکمیت دولت» مردود تلقی گردد و نیز اعلام خواهد کرد، مصوبه‌ها و احکام ایران در ارتباط با چنین دارایی‌ها بایستی طبق قوانین ایالات متحده، وسیله دادگاههای آمریکا اجرا گردد».

#### **بند 15:**

«در مورد هر حکم صادره از دادگاه آمریکا مبنی بر انتقال هرگونه اموال یا دارایی به ایران، ایالات متحده بدین وسیله اجرای حکم نهایی را در صورتی که اموال یا دارایی‌ها در داخل ایالات متحده باشد، تضمین می‌نماید».

بند 16 بعداً ضمن بحث از صلاحیت داور دیده خواهد شد.

**20.** مطابق بندهای مذکور، در قبال گواهی دولت الجزایر مبنی بر خروج 52 تن امریکایی از ایران، دولت امریکا تعهداتی را در باب دارایی خانواده شاه

سابق به گردن گرفته است که ذیلاً  
به اختصار بازگو خواهد شد:

**اول** آنکه هرگاه دولت ایران علیه  
وراث شاه سابق، یا هر یک از بستگان وی  
برای برگرداندن اموال و داراییها اقامه  
دعوا نماید، آن اموال و داراییها را  
توقیف نموده، انتقال آنها را تا پایان  
دادرسی و تعیین تکلیف آنها از طرف  
دادگاه رسیدگی‌کننده، ممنوع سازد.

**دوم** آنکه به تمام اشخاص مقیم حوزه  
قضایی امریکا دستور دهد که هر نوع  
اطلاعاتی درباره اموال و داراییهای تحت  
کنترل وراث شاه سابق و هر یک از بستگان  
نزدیک وی دارند، به خزانه‌داری آن کشور  
بفرستند تا در اختیار دولت جمهوری  
اسلامی ایران قرار گیرد.

**سوم** آنکه چنانچه دادگاههای امریکا  
احکامی دائر به انتقال اموال و  
داراییهای مزبور صادر نمایند و به  
مرحله نهایی برسد به‌موقع اجرا گذارده  
خواهد شد.

بدین طریق اجرای آنها را از پیش  
تضمین کرده است.

**چهارم** آنکه به کلیه دادگاههای امریکا اعلام خواهد کرد که به استناد «اصل مصونیت رئیس کشور» یا «نظریه حاکمیت دولت» از رسیدگی به این قبیل دعاوی امتناع نکنند، و مصوبات و احکام ایران در ارتباط با چنین داراییها را برطبق قوانین امریکا اجرا کنند.

**21.** از طرف ایران تاکنون پنج فقره دعوا علیه وراث و خویشاوندان شاه سابق در دادگاههای امریکا اقامه گردیده است. در بعضی از آنها در مراحل بدوی یا پژوهشی رأی به ضرر ایران صادر شده که نسبت به آنها پژوهشخواهی و فرجامخواهی به عمل آمده است.

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، دادگاههای امریکا در پروندههایی که حکم به محکومیت ایران صادر کرده اند، به «اصل مصونیت رئیس کشور» و یا «نظریه حاکمیت ایران» استناد ننموده اند؛ بلکه به نظریه دیگری به عنوان «نظریه دادگاه نامتناسب» تکیه کرده اند.

**22.** در اینجا لازم میدانم که توضیحات مختصری درباره «اصل مصونیت رئیس کشور»،



«نظریه حاکمیت دولت»، «نظریه دادگاه نامتناسب» و «مصوبات ایران» داده شود.

### **اصل مصونیت رئیس کشور (Sovereign immunity principle)**

در حقوق بین‌الملل عمومی برای رؤسای کشورها، مانند رؤسای جمهور و پادشاهان از لحاظ تعقیب کیفری مصونیت قائلند. در دعاوی حقوقی گرچه اختلاف نظر وجود دارد، لیکن به هر حال از نظر اجرای احکام صادره از دادگاههای مدنی کشورهای خارجی نیز معتقد به مصونیت می‌باشند.

### **نظریه حاکمیت دولت (Act of State doctrine)**

از نقطه نظر حقوق بین‌الملل عمومی، حاکمیت دولتها محترم است. هر دولت در قلمرو خود به اعتبار حاکمیتش اعمالی انجام می‌دهد که باید مصون از تعرض باشد. رئیس هر کشور هم به لحاظ سمتش صاحب امتیازات کم و بیش وسیعی در اعمال حاکمیت دولت تحت ریاستش هست، طبعاً از چنین مصونیتی برخوردار می‌باشد.

با این بیان روشن است که اصل و نظریه مذکور از آن جهت در بند 14

بیانیه کلی گنجانده شده است تا دادگاههای امریکا نتوانند به استناد آنها شاه اسبق و ماترك او را مصون از تعرض و محاکمه تلقی نمایند و از رسیدگی به دعاوی مطروحه خودداری ورزند.

### **نظریه دادگاه نامتناسب (Forum non convenience)**

ریشه این نظریه در انصاف (Equity) است که امروزه قانون دادرسی امریکا از آن متأثر گردیده است. مطابق این نظریه هرگاه برای رسیدگی به يك دعوا دو دادگاه وجود داشته باشد که یکی از آنها نظریه علل و عوامل مختلف بهتر بتواند اجرای اصول عدالت و احقاق حقوق اصحاب دعوا و نتیجتاً مصالح عمومی را تأمین نماید، چنین دادگاهی جهت رسیدگی به دعوا مناسبتر خواهد بود، و لو آنکه دادگاه دیگر هم صلاحیت داشته باشد ولی از جهات دیگر نامتناسب باشد.

بنابراین يك دادگاه امریکایی وقتی میتواند به استناد این نظریه از رسیدگی

به دعوای اقامه شده در نزد آن امتناع نماید که دادگاه معین دیگری را برای این امر متناسب تشخیص دهد. اما بدون تعیین دادگاه متناسب مشخص، خودداری از رسیدگی خلاف «نظریه دادگاه نامتناسب» خواهد بود.

### **مصوبات ایران (Iranian decrees)**

در مورد مصوبات ایران سابقاً شبهه‌ای حاصل شده بود. عده‌ای معتقد شدند که مراد از کلمه Decrees آرای دادگاه‌های ایران است و بین این کلمه و Judgement تفاوتی نیست. گروهی دیگر بر این نظر بودند که بین این دو فرق است. منظور از Decrees مقررات موضوعه لازم‌الاجرای حکومت ایران مثل قوانین، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌هاست نه رأی دادگاه. در غیر این صورت ناگزیر باید به این اعتقاد گروید که کلمات نامبرده با هم مترادفند و حال آنکه در متون حقوقی، ترادف بدون قرینه معنی ندارد و در مورد بحث هم قرینه‌ای موجود نیست.

پس به استناد اصل عدم ترادف باید گفت که منظور از مصوبات، مقرراتی غیر

از احکام دادگاههای ایران است که می‌تواند در دادگاههای امریکا به‌عنوان دلیل، برای اثبات دعاوی، طرف استناد ایران قرار گیرد.

### هفتم- داوری

**23.** همانطوری که قبلاً به‌نحو مختصر بیان شد، در بند (ب) اصول کلی بیانیه کلی توافق به‌عمل آمد که برای حل و فصل دعاوی اتباع امریکا علیه ایران و اتباع ایران علیه امریکا، هیأت داوری خاصی تشکیل گردد. به‌علاوه برای این هیأت مطابق بند 2 ماده 2 بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی دولتین علیه یکدیگر نیز پیش‌بینی شده و همچنین امور دیگری که در صلاحیت هیأت داوری است، مشخص گردیده است.

ترتیب تشکیل هیأت داوری، اختیارات و وظایف آن، همچنین حقوق و تکالیف عمومی طرفین بیانیه و اصحاب دعوا، در بیانیه حل و فصل دعاوی منعکس است؛ ولی آیین دادرسی دیوان را به مقررات یونسیترال Uncitral احاله کرده که به موقع مورد بحث قرار می‌گیرد.

بیانیه حل و فصل دعاوی مشتمل بر 8 ماده و شامل مسائل متعددی است، مانند: تعداد اعضای هیأت، نحوه تشکیل آن، کیفیت تقسیم کار، صلاحیت این هیأت، تاریخ آغاز و پایان داور، مقررات شکلی داور، مقررات ماهوی حاکم بر دعاوی، محل داور، هزینه داور، نمایندگی دولتین، طریق اجرای احکام صادره، تعریف اتباع دولتین، تعریف ایران و آمریکا و مسائل دیگری که به نحوی با مسائل اساسی نامبرده در ارتباطند.

کوشش می شود که توضیحات مختصر و مفیدی در حد ظرفیت مقاله حاضر راجع به این بیانیه و مسائل عمده مربوط به داور داده شود.

## 1- محل داور

24. مطابق بند 1 ماده 6 بیانیه حل و فصل دعاوی، محل داور در شهر لاهه واقع در کشور هلند است. البته به موجب همین بند، توافق روی محل دیگر و انتقال از لاهه بدان محل امکان دارد.

## 2- هیأت داور

شرح مختصر بیانیه های الجزایز ❖ 51

**25** — هیأت داورى دعاوى ایران و امریکا مرکب از 9 عضو است: سه داور اختصاصی ایران، سه داور اختصاصی امریکا و سه داور مشترک. یکی از سه داور مشترک به انتخاب داوران اختصاصی، ریاست کل هیأت را عهده دار است. در ابتدای امر دو داور مشترک سوئدی و یک نفر فرانسوی بودند. داور فرانسوی سال گذشته مستعفی شد و به جای وی یک نفر هلندی منصوب شده است. اخیراً یکی از داوران مشترک دیگر که سوئدی و رئیس هیأت داورى بود، استعفا داد و یک حقوقدان تبعه آلمان غربی به جانشینی وی منصوب گردیده و مشغول به کار شده است.

هیأت داورى در عمل عنوان دیوان داورى به خود گرفت و در تمام لوایح و آرا به همین عنوان خوانده شده است؛ بدین مناسبت پس از این به عنوان «دیوان داورى» یاد خواهد شد.

دیوان به سه شعب تقسیم گردیده و هر شعبه مرکب از سه عضو است: یک داور ایرانی، یک داور امریکایی و یک داور مشترک. ریاست هر شعبه با داور مشترک همان شعبه است. دعاوى برای رسیدگی بین

شعب سه‌گانه تقسیم گردید؛ ولی مسائل عمده مانند تفسیر بیانیه، صلاحیت دیوان در موارد مهم در هیأت عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

### 3- آغاز داورى

26. کلیه دعاوی موضوع بیانیه حل و فصل به‌موجب بند 4 ماده 3 همان بیانیه و دستورالعمل اداری یا بخشنامه شماره 1 مورخ 4 ژوئیه 1982 (13 تیرماه 1360) رئیس دیوان داورى، می‌باید تا 19 ژانویه 1982 در دفتر دیوان داورى به ثبت برسد. بنابراین می‌توان گفت که عمل داورى یعنی رسیدگی به دعاوی از طرف دیوان داورى از بیستم ژانویه 1982 آغاز گردیده است. پیش از آن تاریخ دیوان داورى عمدتاً مشغول اصلاح مقررات یونسیترال به‌عنوان آیین دادرسی دیوان و تطبیق آنها با بیانیه‌ها بوده است.

### 4- صلاحیت دیوان داورى

27. حدود صلاحیت دیوان داورى در ماده 2 و بند 4 ماده 6 بیانیه حل و فصل دعاوی، بندهای 16 و 17 بیانیه کلی و

شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز ❖ 53

سند تعهدات تصریح شده است که در زیر آورده می‌شوند:

## ماده 2 بیانیه حل و فصل دعاوی:

«1. بدین وسیله یک هیأت داوری (هیأت رسیدگی به دعاوی ایران و ایالات متحده) به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده و هرگونه ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد فیما بین، معامله یا پیش‌آمدهی که مبنای ادعای آن تبعه باشد، تشکیل می‌گردد؛ در صورتی که اینگونه ادعاها و ادعاهای متقابل در تاریخ این بیانیه موجود بوده و ناشی از دیون، قراردادهای (شامل معاملاتی که موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی هستند) ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که مؤثر در حقوق مالکیت باشد، اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده یا نشده باشد. موارد مندرج در بند 11 بیانیه مورخ 29 دی ماه 1359 (19 ژانویه 1981) دولت الجزایر و ادعاهای ناشی از اقدامات



ایالات متحده در قبال موارد مذکور در آن بند، همچنین ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالح ایران در پاسخ به موضع مجلس باشد، از این امر مستثنی هستند.

2. هیأت داورى همچنین درباره ادعاهای ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات، صلاحیت داورى خواهد داشت.

3. همانگونه که در بندهای 16 و 17 بیانیه مورخ 29 دی ماه 1359 (1981 ژانویه) دولت الجزایر مذکور است، هیأت داورى صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای هر یک از موارد مندرج در آن بیانیه را خواهد داشت».

#### **بند 4 ماده 6 همان بیانیه:**

«در مورد هر مسأله درباره تفسیر یا اجرای این بیانیه به تقاضای ایران و

ایالات متحده توسط هیأت داورى اتخاذ  
تصميم خواهد شد».

### **بند 16 بیانیه کلی:**

«چنانچه اختلافی بین طرفین در باره  
نحوه اجرای تعهداتی که مطابق بندهای  
12 تا 15<sup>4</sup> به عهده ایالات متحده میباشد.  
بروز نماید، ایران میتواند اختلاف را  
با هیأت داورى که براساس بیانیه حل و  
فصل دعاوی و مطابق شرایط مقرر در آن  
تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا  
خواهد بود، ارجاع نماید. چنانچه هیأت  
مزبور تشخیص دهد که در نتیجه قصور  
ایالات متحده در اجرای این تعهدات،  
ایران متحمل خساراتی گردیده است، حکم  
مقتضی به نفع ایران صادر میکند که  
این حکم در دادگاههای هر کشوری مطابق  
قوانین آن کشور، به وسیله ایران  
میتواند به موقع اجرا گذاشته شود».

### **بند 17 همان بیانیه:**

---

4. این تعهدات راجع به برگشت داراییهای وراثت شاه سابق  
و بستگان او است.

«چنانچه اختلافات دیگری درباره تفسیر یا نحوه اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین میتواند اختلاف را به هیأت داوری که بر اساس بیانیه حل و فصل دعاوی و مطابق شرایط مقرر در آن تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا خواهد بود، ارجاع نماید. تصمیمات هیأت مزبور درباره چنین اختلافاتی مشتمل بر احکام پرداخت غرامت، خسارت حاصله از عدم اجرای این بیانیه یا بیانیه حل و فصل دعاوی میتواند از سوی طرفین ذینفع در دادگاههای هر کشوری مطابق قوانین آن کشور به موقع اجرا گذارده شود».

### **سند تعهدات**

در سند تعهدات نوعی اختلاف پیشبینی گردیده که در واقع باید جزء دعاوی محسوب شود، و چون متن آن مفصل است، لذا از آوردن عین آن خودداری میگردد. خلاصه این است که هرگاه بانک مرکزی ایران و مؤسسات بانکی امریکا در باب میزان مطالباتشان توافق نمایند، موضوع به

داوري لازم الاجراي يك هيأت داوري بين المللي ارجاع خواهد شد. چنانچه در انتخاب هيأت مذکور توافق نشود، مي‌توانند به هيأت داوري پيش‌بيني شده در بيانيه حل و فصل دعاوي مراجعه کنند. (بند 2 ب تعهدات).

بنابره مراتب مذکور امور داخل در صلاحيت ديوان داوري به‌طور كلي بر دو دسته‌اند:

الف انواع دعاوي

ب - اختلافات مربوط به تفسير يا نحوه اجراي بيانيه‌ها.

### الف انواع دعاوي

**28.** دعاوي داخل در صلاحيت ديوان داوري را مي‌توان به اقسام زير دسته‌بندي نمود:

- دعاوي اصلي اتباع امريكا عليه ايران.
- دعاوي اصلي اتباع ايران عليه امريكا.
- دعاوي متقابل هر يك از ايران و امريكا در برابر دعاوي اتباع طرف مقابل.

– د عاوي دولتین ایران و امریکا علیه یکدیگر.  
باید توجه داشت که هر دعوایی- ولو از انواع نامبرده- در دیوان داوری قابل اقامه تلقی نگردیده، بلکه در بیانیه برای آن شروطی در نظر گرفته شده است. اهم این شروط به قرار زیر است:

### **برای دعوی اصلی اتباع**

– دعوا ناشی از دین یا قرارداد یا ضبط اموال یا هر اقدام دیگر مؤثر در حقوق مالکیت باشد.  
– قبل از تاریخ بیانیه به وجود آمده باشد.  
– تا تاریخ بیانیه بین طرفین حل و فصل نشده و یا از بین نرفته باشد.  
به عبارت دیگر از تاریخ به وجود آمدن تا تاریخ بیانیه مستمراً در اختیار تبعه بوده باشد.

### **برای دعوی متقابل**

هر دعوی متقابل باید علاوه بر واجد بودن شروط قبلی، ناشی از همان منشأ دعوی اصلی باشد.

## برای دعاوی دولتین

این دعاوی باید ناشی از قرارداد خرید و فروش اجناس و خدمات باشند.

### ب - اختلافات در باره تفسیر بیانیه‌ها یا نحوه اجرای آنها

29. این مطلب در بندهای 16 و 17 بیانیه کلی و بند 3 ماده 2 و بند 4 ماده 6 بیانیه حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده که متون آنها قبلاً نقل گردیده است. اختلافات در تفسیر؛ مانند اختلافی که درباره مفهوم تابعیت پیش آمده است. اختلاف درباره نحوه اجرای بیانیه‌ها؛ مثل اختلاف راجع به بهره حساب تضمینی و تخلفات که بعداً راجع به آنها گفتگویی خواهیم داشت.

تاکنون در زمینه تفسیر یا نحوه اجرای بیانیه‌ها 20 فقره اختلاف بروز نموده است که 2 فقره آن از طرف امریکا و 17 فقره آن از طرف ایران و 1 فقره مشترکاً به هیأت عمومی دیوان داوری ارجاع گشته و هیأت مزبور نسبت به 6

فقرة آن نظر داده، ولي بقيه به انتظار صدور رأي باقي مانده است.

به اهم آراي مزبور كه در 4 مورد از دعاوي فوق صادر شده در زير اشاره مي‌شود:

– ثبت مصالحه‌نامه‌ها (پرونده A-1)

– دعاوي اصلي ايران عليه اتباع

امريكا (پرونده A-2)

– بهره حساب تصميمي (ب) (پرونده A-

(1)

– كارمزد حساب تضميني و خسارت بانك

امين حساب مزبور (پرونده A-1)

تابعيت مضاعف كه هنگام بحث از

تابعيت از آن ياد خواهد شد (پرونده A-

(18)

– ضمانتنامه‌هاي بانكي (پرونده A-16)

### ثبت مصالحه‌نامه‌ها

**30.** اختلاف بر سر اين مسأله بود كه

هرگاه طرفين در دعاوي سازش نمايند،

آيا ديوان داوري قبل از ثبت سازشنامه

بايد به صلاحيت خود و معقول بودن سازش

رسيدگي كند و فقط در صورت داشتن صلاحيت

رسيدگي به اصل دعا و منطقي بودن سازش،

شرح مختصر بيانيه‌هاي الجزايز ❖ 61

سازشنامه را ثبت نماید و دستور اجرای آن را بدهد یا خیر؟ هیأت عمومی دیوان داوری در رأی مورخ اردیبهشت ماه 1361 (مه 1982) صادره در پرونده A-1 با اکثریت آرا تشخیص قبلی صلاحیت و معقول بودن سازش را به عنوان یک قاعده نپذیرفته، ولی به استناد ماده 34 مقررات یونسیترا ل چنین تشخیصی را برحسب مورد برای خود مجاز دانسته است.

### دعاوی اصلی ایران علیه اتباع امریکا

31. این یکی از اختلافات عمده ایران و امریکا در آغاز کار بوده است. امریکاییان معتقد بودند که در هیچ یک از متون بیانیه ها و منضمات آنها توافق نشده است که دولت ایران یا سازمان های تابعه آن بتوانند علیه اتباع امریکا در دیوان داوری دعاوی به عنوان دعاوی اصلی اقامه نمایند؛ بلکه فقط در صورت طرح دعوایی از طرف اتباع امریکا، اگر ادعایی داشته باشند، می توانند آن را به صورت دعوای متقابل مطرح سازند. ایران با تأکید بر بند (ب) اصول کلی بیانیه کلی مبني بر لغو و حل و فصل کلیه دعاوی



از طریق يك داوري لازم الاجراء، موضع و نظر مخالف آن را داشته که منتهی به طرح اختلاف از جانب ایران در هیأت عمومی گردیده است.

هیأت عمومی دیوان در رأی مورخ 23 دي ماه 1360 (13 ژوئیه 1982) صادره در پرونده (A-2) با اکثریت آرای خود را برای رسیدگی به این قبیل دعاوی صالح ندانسته است.

### **بهره حساب تضمینی، کارمزد حساب تضمینی و خسارت بانک امین حساب تضمینی**

**32.** اختلاف راجع به سه مسأله مذکور بدین قرار بود که:

– آیا بهره حساب تضمینی (ب) که برای پرداخت محکوم به احکام صادره له اتباع امریکا است، باید در همان حساب بماند یا به ایران پرداخت گردد؟ امریکا طرفدار نظر اول و ایران معتقد به نظر دوم بود.

– آیا کارمزد بانک تسویه دهند از بابت حساب تضمینی نامبرده و همچنین خسارت آن بانک در صورت تحمل، به عهده بانک مرکزی ایران است یا بانک فدرال

رزرو نیویورک؟ امریکا به نظر اول و ایران به نظر دوم اعتقاد داشتند.

هیأت عمومی دیوان در رأی مورخ 1361/5/22 (1982/8/13) صادره در پرونده (A-1) که از جانب ایران طرح شده بود با اکثریت آرا نظر داده است که:

– حساب بهره تضمینی تا پایان دایری در حساب جداگانه‌ای نگهداری گردد و در عین حال در اختیار ایران قرار داشته باشد تا عنداللزوم بتواند آن را به مصرف جبران کمبود حساب تضمینی تا سطح پانصد میلیون دلار برساند.

– کارمزد حساب تضمینی بالمناصفه به عهده طرفین است.

– ایران و امریکا در مورد پرداخت خسارت به بانک هلند و بانک تسویه هلند مسئولیت تضامنی دارند؛ ولی اظهارنظر راجع به میزان مسئولیت طرفین در برابر یکدیگر منوط به تقاضای آنهاست.

##### 5- امور خارج از صلاحیت دیوان دایری

33. علی‌الاصول غیر از آنچه در بیانییه تصریح به صلاحیت دیوان دایری شده از صلاحیت دیوان خارج است؛ با این حال خود

بیانیه موارد خاصی را صراحتاً مستثنی کرده است. موارد مستثنی شده به شرح زیر است:

### 34. الف- دعاوی مربوط به موارد مندرج در بند 11 بیانیه کلی و اقدامات متقابل امریکا

قسمت دوم بند يك ماده 2 بیانیه حل و فصل دعاوی چنین می‌گوید:

«... موارد مندرج در بند 11 بیانیه مورخ 29 دي ماه 1359 (19 ژانویه 1981) دولت الجزایر و دعاوی ناشی از اقدامات ایالات متحده در قبال موارد مذکور در آن ... از این امر مستثنی هستند».

متن بند 11 هم پیش از این در شماره 8 درج گردیده است.

در رابطه با این قسمت دعاوی در دیوان داوری اقامه گردیده‌اند؛ ولی تاکنون نسبت به بعضی از آنها رسیدگی به عمل آمده و خارج از صلاحیت دیوان تشخیص داده شده‌اند.

پرونده کاظم حاجی باقرپور راننده  
تریلی که علیه دولت امریکا و در رابطه  
با واقعه طبس مطرح گشته و طی آن خسارات  
وارد به خود را مطالبه کرده و به شماره  
428 به ثبت رسیده بود، نمونه‌ای از این  
قبیل دعاوی به شمار می‌رود.

### 35. ب - دعاوی داخل در صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران

در قسمت دوم بند یک ماده 2  
بیانیه حل و فصل دعاوی آمده است:  
«... همچنین دعاوی ناشی از  
قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن  
قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعاوی  
مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای  
صالحه ایران، در پاسخ به موضع مجلس  
باشد از این امر مستثنی هستند».

نظر مجلس شورای اسلامی ایران را  
باید در ماده واحده راجع به حل و فصل  
اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری  
اسلامی ایران با دولت امریکا مصوب 24 دی  
ماه 1359 جستجو نمود. مطابق این ماده:

« به دولت اجازه داده می‌شود که در مورد اختلافات مالی و حقوقی فی‌مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا که ناشی از انقلاب اسلامی ایران و تصرف مرکز توطئه امریکا نباشد، با توجه به مفاد مصوبه مجلس شورای اسلامی از طریق داوری مرضی‌الطرفین اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل نماید.

**تبصره:** در مورد اختلافاتی که رسیدگی در محاکم صالحه ایران در قرارداد مربوطه پیش‌بینی شده است، از شمول این ماده واحده مستثنی خواهد بود».

نتیجه ایراد عدم صلاحیتی که از این حیث شده در شماره‌های 39 و 40 ملاحظه خواهد شد.

**36. پ - دعاوی اصلی دولت علیه اتباع**  
در این باب قبلاً ضمن شماره 31 اشاره شد که هیأت عمومی دیوان داوری در پرونده (A-2) عدم صلاحیت خود را جهت رسیدگی به این قبیل دعاوی اعلام داشت.

### **37- تـ دعاوي اتباع ايران عليه اتباع امريكا و بالعكس**

گرچه به استثنای این دعاوی در بیانیه‌ها تصریحی نشده است، ولی با توجه به استثنایی بودن صلاحیت دیوان داوری، خروج آنها از صلاحیت دیوان مذکور مسلم است.

### **38. ثـ دعاوي که واجد شروط مندرج در بیانیه نباشند**

شروط مورد نظر در بندهای 1 و 2 ماده 2 و بند 4 ماده 3 و ماده 7 بیانیه حل و فصل دعاوی صراحتاً یا ضمناً منعکس است که ضمن شماره 28 به‌طور خلاصه بیان گردیده است. طبیعی است دعاوی فاقد شروط خاص خود قابل اقامه در دیوان داوری نمی‌باشند؛ مثل اینکه دعاوی دولت علیه دولت ناشی از قرارداد خرید و فروش اجناس و خدمات نباشد یا دعاوی از تاریخ به‌وجود آمدن آن تا تاریخ رسمیت یافتن بیانیه در اختیار تبعه نباشد.

### **6. ایراد به صلاحیت دیوان داوری**

**39.** بدیهی است که به اقتضای طبیعت بیانیه‌ها و استثنایي بودن صلاحیت دیوان داوری در بسیاری از دعاوی به صلاحیت دیوان ایراد شده است. عمده این دعاوی که به لحاظ اهمیت‌شان قابل ذکرند عبارتند از:

الف- دعاوی که در قراردادهای مورد استناد به صلاحیت دادگاههای ایران جهت رفع اختلاف تصریح گردیده است.

هیأت عمومی دیوان داوری محض تسهیل در کار 9 فقره از این قبیل پرونده‌ها را که هر کدام نمونه دسته‌ای از «مواد حل اختلاف» مندرج در قرارداد های گوناگون بین طرفین بوده برگزیده و مورد بررسی قرار داده است. در بعضی از آنها قرار صلاحیت و در تعدادی دیگر قرار عدم صلاحیت خویش را صادر نموده است.

دیوان داوری از استثنایي ذیل بند 1 ماده 2 بیانیه حل و فصل دعاوی تفسیر بسیار مضیق کرده، به نحوی که معدودی از دعاوی مطروحه را از صلاحیت خود به این اعتبار، خارج دانسته است.

## ب- دعاوی نفتی

**40.** لایحه قانونی ماده واحده مصوب  
1358/10/18 شورای انقلاب مقرر داشته است  
که :

«کلیه قراردادهای نفتی که به تشخیص  
کمیسیون خاصی که از طرف وزیر نفت  
تعیین می‌شود مغایر با قانون ملی شدن  
صنعت نفت در ایران تشخیص داده شود،  
کان لم یکن تلقی گردیده، دعاوی ناشی  
از انعقاد و اجرای این قراردادها با  
رأی کمیسیون قابل حل و فصل  
می‌باشد...».

کمیسیون خاص هم قرارداد خرید و  
فروش نفت مورخ 1352 را به علت مغایرت  
با قانون ملی شدن صنعت نفت کان لم یکن  
اعلام داشت؛ ولی کمپانی‌های امریکایی  
خریدار نفت به‌جای مراجعه به این  
کمیسیون در دیوان داوری اقامه دعوا  
کرده و مطالبه خسارت نموده‌اند. شرکت  
ملی نفت ایران به اعتبار صلاحیت کمیسیون  
خاص نفت به صلاحیت دیوان ایراد نمود؛  
ولی شعبه دوم دیوان داوری در رأی اول  
دی ماه 1361 (22 دسامبر 1982) صادره در



پرونده شماره 55 صلاحیت خود را اعلام داشت.<sup>5</sup>

#### 7- مقررات شکلی داوری

**41-** مطابق بند 2 ماده 3 بیانیه حل و فصل دعاوی، امور دیوان داوری برای برقراری مقررات داوری کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق بازرگانی بین‌المللی مصوب 15 دسامبر 1976 خواهد بود که نام اختصاری آن یونسیترال UNCITRAL می‌باشد. این مقررات مشتمل بر 41 ماده است که دیوان داوری بنابه اجازه حاصل از بند 2 ماده 3 بیانیه حل و فصل دعاوی به منظور تأمین اجرای درست و متناسب بیانیه‌ها اصلاحاتی در آن به عمل آورده و تبصره‌هایی بدان افزوده است.

#### 8- مقررات ماهوی حاکم بر دعاوی

---

**5.** این تصمیم از دو جهت مورد اعتراض ایران واقع شد: یکی اینکه قرار نبود شعبه دوم وارد در جزئیات موضوع و صدور قرار شود؛ بلکه مطابق تصمیم و ارجاع هیأت عمومی صرفاً مقرر بوده است که پرونده 55 را به عنوان نمونه بررسی کند و برای اتخاذ تصمیم نهایی به هیأت عمومی گزارش دهد، و دوم از جهت استدلال‌های شعبه دوم در رد صلاحیت کمیسیون خاص و قبول صلاحیت دیوان داوری.

71 ❖ شرح مختصر بیانیه‌های الجزایز

**42.** به این مقررات در ماده 5 بیانیة حل و فصل د عاوي ت صریح گرد یده است. به موجب این ماده:

«دیوان در تمام مسائل براساس احترام به حقوق، اتخاذ تصمیم خواهد نمود. آن انتخاب قواعد حقوقی، اصول حقوق بازرگانی و حقوق بین الملل را که قابل اعمال تشخیص دهد، به کار خواهد برد. عرف ذی ربط بازرگانی، مقررات قرارداد و اوضاع و احوال تغییر یافته را در نظر خواهد گرفت».

عین این عبارت در ماده 33 اصلاحی مقررات یونسیترا ل نیز مندرج است. با این تفاوت که بعداً بندي تحت شماره 2 از طرف دیوان بدان افزوده شده است که در صورت تراضي صریح و کتبی طرفین، دیوان بتواند براساس قواعد انصاف رأی دهد.

توضیح مواد مذکور چنین است:

اولاً- دیوان د اوري قطعاً باید براساس حقوق موضوعه نسبت به د عاوي رسیدگی نماید و رأی دهد و از اتخاذ تصمیم و صدور رأی بر مبنای انصاف ممنوع است؛

مگر با توافق صریح و کتبی طرفین  
بیانیه.

ثانیاً - هرگاه طرفین قرارداد قانون  
کشور خاصی را حاکم بر روابط قراردادی  
خویش معین کرده باشند همان قانون مبنای  
رسیدگی به دعاوی خواهد بود؛ مگر در  
موارد استثنایی که برابر قواعد حقوق  
بین‌الملل خصوصی، ناچار از توجه به  
قانون دیگر است.

ثالثاً - در صورت عدم تعیین قانون  
خاص وسیله طرفین یا فقد قرارداد، دیوان  
هر قانونی را که با رعایت قواعد حق  
تعارض قوانین (Choice of law rules) مناسب دعوی  
مطروحه بداند، اساس رسیدگی و رأی قرار  
خواهد داد.

رابعاً - در عین حال هر يك از اصول  
حقوق بازرگانی یا اصول حقوق بین‌الملل  
را که مؤثر در اتخاذ تصمیم تشخیص دهد،  
به‌کار خواهد گرفت.

خامساً - در تمام حالات مزبور تأثیر  
مقررات خود قرارداد مستند دعوا، عرف  
بازرگانی مناسب با دعوا - اگر چنین  
عرفی وجود داشته باشد - و نیز تغییرات  
اوضاع و احوال را در نظر خواهد داشت.

سادساً - هرگاه اوضاع و احوال زمان انعقاد قراردادی که فعلاً مستند دعواست تاکنون تغییر یافته باشد، میزان تأثیر اوضاع و احوال تغییر یافته را نیز مدنظر قرار خواهد داد.

**43.** عمل به فرمول مندرج در ماده 5 بیانیه حل و فصل دعاوی در داورهای بین‌المللی سابقه دارد. در این قبیل داورها که تاکنون در جهان انجام یافته به اصول حقوق بازرگانی یا عرف بازرگانی یا اصول حقوق بین‌الملل یا اوضاع و احوال تغییر یافته استناد شده است. حتی در عوی مربوط به امتیاز نفت ابوظبی دیده شده که داور در رأی مورخ 1951 خود، قانون ابوظبی را که به موجب قرارداد حاکم بر ماهیت دعوا بوده است و می‌بایستی مبنای رسیدگی و رأی باشد، به کلی کنار گذارده و صرفاً براساس «اصول مبتنی بر عقل سلیم و عمل مشترک کلیه ملل متمدن» رأی داده است.

## 9- تغییر اوضاع و احوال

**44.** منظور از اوضاع و احوال (Circumstances) مجموع شرایط نوعی (Objective) است که هنگام انعقاد قرارداد وجود داشته و قرارداد با توجه به آن شرایط منعقد گردیده است. هرگاه در آینده شرایط مذکور تغییر نماید، گویند که اوضاع و احوال مربوط به قرارداد تغییر یافته است. تأثیر این تغییرات اصولاً در مورد قراردادهای درازمدت ظاهر می‌شود که ممکن است در اثر تورم و بحران اقتصادی، بهای اجناس و خدمات، ترقی غیرمعتاد، نماید و پرداخت اضافه قیمت‌ها برای پیمانکار قابل تحمل نباشد. به همین مناسبت تغییر اوضاع و احوال را، اگر مؤثر در اجرای قرارداد تشخیص داده شود، موجب تجدیدنظر در قرارداد (مخصوصاً در قیمت قرارداد) یا حتی انحلال آن می‌دانند.

نظریه تغییر اوضاع و احوال از قرن 19 میلادی در کشورهای امریکا و اروپای غربی مورد توجه بوده است و براساس اصل حسن نیت، انصاف و فرض شرط ضمنی، در دادگاههای داخلی و داوریهایی بین‌المللی بدان عمل شده و آرایه‌های نیز صادر گردیده

است. ماده 62 عهدنامه وین راجع به حقوق معاهدات مورخ 1969 که یکی از منابع حقوق بین‌الملل عمومی محسوب است، ناظر به همین مطلب می‌باشد.

اوضاع و احوال تغییر یافته را اصولاً از جنبه اقتصادی قراردادها طرف توجه قرار می‌دهند؛ ولی ممکن است گاهی تغییر اوضاع و احوال قانونی و قضایی هم مؤثر دانسته شود.

**45.** امریکاییان در مقام بحث از صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران مدعی شدند که در ایران پس از انقلاب، به دنبال تغییر رژیم سیاسی، رژیم قضایی نیز تغییر کرده است و دادگاههای فعلی ایران همان دادگاههایی نیستند که هنگام انعقاد قراردادها در ایران وجود داشته‌اند. البته این سخن امریکاییان درست نیست؛ زیرا تغییرات رژیم قضایی ایران، هرچه هست قبل از امضای بیانیه‌ها به عمل آمده است. مع ذلك دولت امریکا در بیانیه، نظر مجلس شورای اسلامی ایران راجع به صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران را پذیرفته و آن را امضا کرده است.

دیوان داوری نیز هنگام رسیدگی به مسأله صلاحیت، خود را برای اظهارنظر نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه‌های فعلی ایران صالح ندانسته و نتیجتاً اوضاع و احوال قضایی تغیر یافته در ایران پس از انقلاب را در رأی خود تأثیر نداده است.<sup>6</sup>

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا هنوز براساس نظریه اوضاع و احوال تغیر یافته رأی صادر نکرده است.

## 10- اجرای احکام داوری

46. مقررات اجرای آرا و احکام داوری در بندهای 1 و 3 ماده 4 بیانیه حل و فصل دعاوی در بندها 16 و 17 بیانیه کلی و ماده 32 یونسیترا ل منعکس است:

### بند 1 ماده 4:

«تمام تصمیمات و احکام هیأت داوری قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود».

### بند 3 ماده 4:

---

6. رأی دیوان در پرونده 140 که در زمینه صلاحیت است.

«هر حکمی که هیأت داوری علیه هر یک از دولتین صادر نماید، علیه آن دولت در دادگاههای هر کشوری طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود».

بندهای 16 و 17 بیانیه کلی ذیل شماره 27 مندرج است.

### مادة 32 یونسیترال:

1- دادگاه داوری علاوه بر صدور رأی نهایی، حق خواهد داشت که آرای موقت یا اعدادی (ارجاع به کارشناس) و یا جزئی (درباره قسمتی از دادخواست) صادر کند.

2- رأی کتبی و اجرای آن برای طرفین الزامی است. طرفین تعهد می‌کنند که بدون تأخیر رأی را به موقع اجرا گذارند».

بنابه مراتب مزبور کلیه آرا و احکام دیوان داوری نهایی و لازم الاجراست؛ اما طرق اجرای بعضی از آنها با برخی دیگر متفاوت است.



احکام لازم الاجرای دیوان داوری را  
برحسب طرق اجرای آنها می‌توان به دو نوع  
عمده زیر تقسیم نمود:

**47.** الف احکامی که اجرای آنها تابع  
قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی نیست؛ بلکه  
طریق خاصی در بیانیه مقرر گردیده است.  
اینها احکامی هستند که له اتباع امریکا  
– اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی – و علیه  
ایران صادر می‌شوند. محکوم به چنین  
احکامی به موجب مجموع قسمت اول پاراگراف  
دوم بند 7 بیانیه کلی که می‌گوید: «کلیه  
موجودی حساب تضمینی صرفاً برای تضمین  
پرداخت و تأدیه ادعاهای علیه ایران طبق  
بیانیه حل و فصل دعاوی مورد استفاده  
قرار خواهد گرفت». و بندهای 17 بیانیه  
کلی و 3 ماده 4 بیانیه حل و فصل دعاوی و  
بند هـ (e-1) موافقتنامه با بانک تسویه  
هلند که مقرر داشته «نماینده امانی به  
امانتدار دستور خواهد داد تا به منظور  
اجرای مبالغ اعطایی موضوع داوری که از  
طرف دیوان دعاوی له مدعیان امریکایی  
صادر گردیده... پرداختهای لازم را در  
وجه فدرال رزرو انجام خواهد داد...»،

از حساب تضمیني (ب) به دستور رئیس دیوان برداشت خواهد شد. روش اجرای این قبیل احکام داورى مطابق بندهای (هـ - 1) تا (هـ - 5) موافقتنامه فنی مذکور چنین است که رئیس دیوان داورى دستور اجرای حکم را به بانک مرکزی الجزایر که نماینده امانی است، می‌دهد. بانک مرکزی الجزایر به بانک تسویه هلند که امانت‌دار حساب تضمیني است مراتب را ابلاغ خواهد نمود. سپس بانک تسویه هلند مبلغ محکوم به را در وجه بانک فدرال رزرو خواهد پرداخت تا به محکوم‌له بپردازد.

**48.** ب- نوع دوم احکامی هستند که برای اجرای آنها در بیانیه‌ها مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است و باید برطبق قواعد عادی به‌موقع اجرا گذارده شوند. این نوع از احکام عبارتند از:  
— احکام صادره‌له ایران و علیه اتباع امریکا<sup>7</sup> یا له امریکا علیه اتباع ایران.

---

7. این قبیل احکام قاعداً ناظر به دیوان متقابل ایران علیه اتباع امریکا یا هزینه‌های داورى هستند.

– احكام صادره له دولت ايران و عليه  
دولت امريكا و بالعكس.

– احكام صادره له اتباع ايران و  
عليه دولت امريكا.

احكام نامبرده به موجب بند يك ماده  
4 بيانيه حل و فصل دعاوي از نظر دولتين  
ايران و امريكا نهايي و لازم الاجرا  
به شمار مي رود. به همين مناسبت قا عدتاً  
اجراي آنها در قلمرو دو دولت مذکور  
نبايد با كنترل دادگاههاي آن كشور  
مواجه گردد؛ بلكه دادگاههاي صلاحيتدار  
هر يك از آن دو كشور بايد بنابه  
درخواست محكوم له دستور اجراي آنها را  
صادر نمايند. اما اگر قرار باشد اين  
احكام در خاك كشورهاي ثالث به موقع اجرا  
گذارده شوند، كنترل آنها از طرف  
دادگاههاي ذي صلاحيت آن كشورها حتمي است؛  
زيرا مطابق قاعده حقوق بين الملل خصوصي  
كه در قوانين داخلي كشورها به نحوي  
انعكاس يافته است، احكام دادگاههاي  
خارجي و احكام داوري هاي خارجي در هيچ  
كشوري قابل اجرا نيستند، مگر آنكه  
دادگاه صلاحيتدار آن كشور آنها را مورد  
بررسي قرار دهد و پس از احراز مطابقت

آنها با شرایط قابلیت اجرای احکام خارجی، دستور اجرای آنها را بدهد؛ مضافاً به اینکه بند 3 ماده 4 بیانیه حل و فصل نیز حاوی عبارت «طبق قوانین آن کشور» یعنی کشور محل اجرای حکم، می‌باشد.

به هر حال، بنا به مراتب مذکور هرگاه حکمی از نوع دوم از طرف محکوم علیه طوعاً به موقع اجرا گذارده نشود و محکوم له مایل به اجرای آن باشد، ناچار باید درخواست اجرای آن را از دادگاه صلاحیتدار کشور ثالثی که اموالی از محکوم علیه در آن موجود است، بنماید و دادگاه هم پس از کنترل و احراز قابلیت اجرای حکم، دستور اجرای آن را صادر کند.

## 11- پایان داور

49. مطابق مندرجات قسمت دوم پاراگراف دوم بند 7 بیانیه کلی، بند 2 ماده 4 بیانیه حل و فصل دعاوی، پاراگراف ماقبل آخر سند تعهدات و بند f موافقتنامه فنی با بانک تسویه هلند، داور موضوع بیانیه‌های الجزایر وقتی

خاتمه خواهد یافت که به تمام دعاوی رسیدگی شود؛ احکام لازم صادر گردد؛ اجرای احکامی که محکوم به آنها باید از حساب تضمینی تأدیه شود به عمل آمده باشد و رئیس دیوان داوری مراتب را گواهی و به بانک مرکزی الجزایر اعلام نماید.

### هشتم- بعضی مسائل مهم

**50.** مسائل مربوط به بیانیه‌ها جز آنچه قبلاً توضیح داده شد، کم نیستند. در نهایت همان‌طوری که در مقدمه اظهار گردید، بیان همه آنها به‌خصوص متفرعات قضایا در يك مقاله مطلقاً میسر نیست؛ مع‌هذا در این قسمت به بعضی از آنها که اهمیت ویژه‌ای دارند، اشاره خواهد شد.

مسائل مورد نظر فعلی به ماده 7 بیانیة حل و فصل دعاوی ارتباط دارند و عبارتند از: تعریف تبعه، تابعیت مضاعف، تعریف ایران و امریکا و کنترل.

### 1- تعریف تبعه

**51.** بند يك ماده 7 بیانیة حل و فصل دعاوی در مقام تعریف تبعه چنین می‌گوید:

«1- تبعه ايران يا ايالات متحده بدين

معني است:

الف- شخص حقيقي كه شهروند ايران يا ايالات متحده مي‌باشد.

ب- شركت يا شخص حقيقي ديگري كه طبق قوانين ايران يا ايالات متحده يا هر يك از ايالات و نواحی آن، ناحیه كلمبيا يا مشترك المنافع پرتوريكو تشكيل يافته باشد. مشروط به اينكه، اشخاص حقيقي تبعه آن كشور مجتمه‌اً به صورت مستقيم يا غيرمستقيم در چنين شركت يا شخصيت حقيقي سهمي معادل پنجاه درصد يا بيشتر از سرمايه آن را داشته باشند».

**52.** به طوري كه ملاحظه مي‌شود در اين

ماده از دو نوع تبعه تعريف شده است: شخص حقيقي و شخص حقيقي. براي اينكه يك شخص حقيقي تبعه ايران يا امريكا محسوب گردد بايد اولاً در قلمرو و برطبق قوانين آن دولت تشكيل يافته باشد. ثانياً اشخاص حقيقي تبعه آن دولت صاحب لا اقل پنجاه درصد سرمايه آن به صورت مستقيم يا غيرمستقيم باشند.

در مورد شخص حقیقی، اصطلاح امریکایی Citizen به کار برده شده است که آن را به فارسی شهروند ترجمه کرده اند. در ایران شهروند يك عنوان قانونی نیست و شخصی که با این عنوان تبعه ایران به شمار رود، وجود ندارد؛ بنابراین چنین عنوانی مفهوماً با اصطلاح «تبعه» در فارسی متفاوت است. امریکاییان اظهار می‌دارند که برای اتباع امریکا در روابط داخلی آن کشور اصطلاح سیتیزن را به کار می‌برند؛ ولی اصطلاح National را در روابط بین‌المللی استعمال می‌نمایند و سیتیزن کسی است که از حقوق مدنی و سیاسی جامعه امریکایی برخوردار است. به هر حال این مطلب مورد اختلاف طرفین است.

مسأله تابعیت مضاعف در دیوان دآوری از تفسیر کلمه سیتیزن به وجود آمده که موجب يك رشته مبارزات سخت حقوقی بین حقوقدانان ایران و امریکا گردیده است. علت این بوده است که تعدادی از ایرانیان قبل یا بعد از پیروزی انقلاب ایران تابعیت امریکا را به دست آورده و با همین تابعیت اکتسابی در دیوان دآوری اقامه دعوا کرده اند.

## 2- تابعیت مضاعف

53. بدواً اشاره می‌شود که مطابق حقوق بین‌الملل عمومی هر گاه در نتیجه نقض تعهدات بین‌المللی از طرف دولتی، خسارتی به تبعه دولت دیگر وارد شود، و به طریق عادی جبران نگردد، دولت متبوع شخص زیان‌دیده می‌تواند با شرایطی به حمایت سیاسی تبعه خود برخیزد و عنداللزوم علیه دولت ناقض مقررات بین‌المللی در مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی اقامه دعوا کند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اگر زیان‌دیده تابعیت دو دولت را دارا باشد، و زیان هم از ناحیه یکی از این دولتها به وی وارد شده باشد، آیا دولت متبوع دیگرش حق دارد از چنین تبعه‌ای علیه دولت زیان‌رساننده حمایت دیپلماتیک و اقامه دعوا نماید یا خیر؟

ماده 4 کنوانسیون لاهه راجع به تعارض قوانین مربوط به تابعیت مورخ 1930 چنین امکانی را به صراحت نفی می‌کند و می‌گوید: «یک دولت نمی‌تواند حمایت سیاسی خود را به نفع یکی از اتباع خویش



در مقابل دولت دیگر که او نیز مدعی را تبعه خود می‌داند، اعمال نماید». فکر حقوقی و قضایی بین‌المللی نیز معمولاً در همین جهت سیر می‌نمود؛ زیرا بنابه اصل تساوی حاکمیت دولتها تابعیت دولتی را بر تابعیت دولت دیگر نمی‌تواند رجحان داد.

البته غرض از این بیان این نیست که تبعه يك دولت نمی‌تواند خسارات وارده را از دولت متبوعش مطالبه نماید. بحث بر سر این نکته است که تبعه نمی‌تواند علیه دولت متبوعش در مراجع بین‌المللی طرح دعوا کند؛ بلکه باید در دادگاههای داخلی کشور همان دولت بدین کار مبادرت ورزد.

بعضی از حقوقدانان بین‌المللی برخلاف صراحت ماده 4 کنوانسیون لاهه و براساس ماده 5 همان کنوانسیون که مربوط به عمل دادگاههای داخلی کشورهای ثالث است، استفاده از نظریه Effective Nationality را که در فارسی به تابعیت مؤثر یا واقعی یا غالب یا قطعی یا عملی ترجمه گردیده است، توصیه کرده و می‌کنند.

54. به نظریه تابعیت مؤثر چه قبل و چه بعد از تدوین کنوانسیون لاهه در مواردی استناد شده است. هرگاه مراجع بین‌المللی حل و فصل دعاوی ناشی از حمایت دیپلماتیک تشخیص می‌داده‌اند که تابعیت دولت حامی مؤثر نیست، دعاوی را مردود اعلام می‌کرده‌اند.

به هر حال دولت جمهوری اسلامی ایران به استناد اصل تساوی حاکمیت دولتها، اصل عدم مسؤلیت دولت در برابر تبعه خود که نتیجه اصل نخستین است و ماده 4 کنوانسیون لاهه، حمایت دولت آمریکا از دارندگان تابعیت مضاعف را غیرموجه و دعاوی مربوط بدان را غیرقابل پذیرش در دیوان لاهه دانسته است.

استدلال طرفین و دیوان داوری در این باب بسیار مفصل است. همین قدر استدلال اشاره می‌شود که هیأت عمومی دیوان داوری در رأی مورخ 17 فروردین ماه 1363 (6) آوریل 1984) صادره در پرونده (A-18) با اکثریت 6 رأی در برابر 3 رأی نظریه تابعیت مؤثر را در رابطه با دعاوی دارندگان تابعیت مضاعف ایرانی و امریکایی پذیرفته است.

### 3- تعریف ایران و امریکا

55. در مواد بیانیه‌ها و سند تعهدات اسامی «ایران» و «ایالات متحده» زیاد به‌کار برده شده است. به‌همین جهت لزوم تعریف از این دو نام کاملاً احساس می‌شود. این تعریف در بندهای 3 و 4 ماده 7 بیانیة حل و فصل دعاوی به‌عمل آمده است.

#### بند 3 ماده 7:

«ایران یعنی دولت ایران و هر نوع سازمان سیاسی فرعی ایران و هر نوع مؤسسه، واحد و تشکیلاتی که به وسیله دولت ایران و یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن کنترل می‌شود».

#### بند 4 همان ماده:

«ایالات متحده یعنی دولت ایالات متحده یا هر نوع سازمان سیاسی فرعی ایالات متحده و هر نوع مؤسسه، واحد و تشکیلاتی که به وسیله دولت ایالات متحده و یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن کنترل می‌شود».

پس مفاهیم ایران و ایالات متحده دارای مصادیق متعدد مشابهی است که عبارتند از دولت، سازمان‌های سیاسی فرعی، هر نوع سازمان‌های دیگری با هر نام که تحت کنترل دولت و یا یک سازمان سیاسی فرعی آن قرار دارند.

گفته شده که سازمان سیاسی فرعی مانند استانداری‌ها و فرمانداری‌هاست و در آمریکا که به صورت کشور فدرال است هر یک از ایالات که دارای استقلال داخلی است یک سازمان سیاسی فرعی محسوب می‌گردد. ظاهراً وزارتخانه‌ها را نیز باید سازمان‌های سیاسی فرعی به شمار آورد، در برابر خود دولت که از لحاظ حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل یک سازمان سیاسی اصلی به شمار می‌رود.

#### **4- کنترل**

**56-** از کنترل به معنایی که موضوع بحث فعلی است در بندهای 2 و 3 و 4 ماده 7 بیانیه حل و فصل دعاوی نام برده شده است. متون بندهای 3 و 4 قبلاً ملاحظه شد. در بند 2 گفتگو از این است که هرگاه شرکت یا شخص حقوقی دیگر که با یکی از

طرفین بیانییه اختلاف دارد به علت  
غیرایرانی یا غیرامریکایی بودن نتواند  
شخصاً دعوی خویش را در دیوان داورى لاهه  
مطرح نماید، در این صورت برحسب مورد،  
اتباع ایران یا اتباع امریکا که با  
داشتن سرمایه یا سایر علائق مالی در آن  
شرکت یا شخص حقوقی، کنترل آن را هنگام  
اقامة دعوا در اختیار دارند، بدین کار  
مجاز خواهند بود.

در بیانییه غرض از کنترل، اداره يك  
سازمان است و کنترلکننده کسی است که  
اداره يك سازمان برطبق نظر و تصمیمات  
او است. البته کنترل بدین معنی غیر از  
مدیریت اجرایی و اداری سازمان است. مثلاً  
در شرکتهای سهامی، کنترل در اختیار  
مجامع عمومی و در بعضی از امور مشخص در  
اختیار هیأت مدیره آنها قرار دارد.  
مدیران عامل و مستخدمان حوزه مدیریت  
آنها مأموران اجرای تصمیمات مجمع عمومی  
و هیأت مدیره میباشند.

**57- کنترل بر دو نوع است: کنترل**  
مالی و کنترل اداری. کنترل وقتی مالی  
است که کنترلکننده به اعتبار مالکیت و  
امتيازات مالی که دارد واجد چنین

اختیاری است؛ مانند کنترل صاحبان سهام و سرمایه شرکتها که از طریق مجامع عمومی اعمال می‌گردد. و هنگامی اداری است که اعتبارات و امتیازات مالی مبنای کنترل نباشد.

یکی از موارد اختلاف در دیوان دآوری کنترل دولت ایران یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن بر شرکتهای بخش خصوصی بود که پس از انقلاب، دولت جمهوری اسلامی ایران برابر مصوبات شورای انقلاب برای آنها مدیران موقت تعیین نموده بود.

امریکاییان معتقد بودند که دولت ایران یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن بر این قبیل شرکتها کنترل دارند. به همین مناسبت دعوا را علیه کنترل‌کننده که به گمان آنها دولت ایران است، طرح کرده‌اند؛ ولی ایران هیچ‌گاه بر این باور نبوده و گماردن مدیران موقت را که به نام و به حساب صاحبان اصلی شرکتها عمل نمایند کنترل ندانسته است و با اعتقاد به این نکته که این قبیل دعاوی، دعاوی تبعه علیه تبعه است، عقیده به عدم صلاحیت دیوان دآوری داشته است.

دیوان داوری در چند مورد پس از بررسی دلائل طرفین، اداره امور شرکتهای مزبور را وسیله مدیران دولتی کنترل تلقی کرده و دعاوی را که در ارتباط با این قبیل شرکتهای علیه دولت ایران یا سازمان کنترلکننده اقامه شده بود، به عنوان دعاوی تبعه امریکایی علیه دولت ایران پذیرفته است.

### **نهم- تخلفات از بیانیها**

**58-** در بیانیه روی این مطلب توافق به عمل آمده است که هرگاه يك طرف یا طرفین از اجرای تعهداتی که به گردن گرفته اند تخلف ورزند، موضوع به دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا احاله شود تا دیوان نسبت بدان رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر نماید. مستندات قراردادی این مسأله بندهای 16 و 17 بیانیه کلی و بند 3 ماده 2 و بند 4 ماده 6 بیانیه حل و فصل دعاوی است که در آنها به «اختلافات درباره نحوه اجرای بیانیه» عنوان گردیده است.

مطابق سوابق موجود شکایاتی که تاکنون ایران از بابت تخلفات امریکا به

دیوان داورى تسلیم داشته است، علاوه بر موضوع عدم استرداد اموال و داراییهای شاه سابق، شامل موارد زیر می‌باشد:

1- عدم انتقال وجوه حاصل از فروش نفت.

2- عدم انتقال سپرده‌های بانکی ایران.

3- عدم انتقال وجوه حاصله از اعتبارات اسنادی احتیاطی و ضمانتنامه‌ها.

4- عدم انتقال بهره‌های متعلق به سپرده‌های خارج و داخل آمریکا.

5- تأخیر در انتقال سپرده‌های خارج از آمریکا.

6- انسداد حسابهای سفارتخانه و کنسولگریها.

7- عدم انتقال باقیمانده مبلغ پرداختی به فدرال رزرو بانک از محل حساب دلاری شماره یک.

8- عدم انتقال داراییهای جنسی.

9- هزینه‌های انبارداری غیرضروری و قد صور در جمع‌آوری و محافظت داراییهای جنسی که منجر به کاهش ارزش آن گردیده است.



- 10— عدم تسهیل در تحرك آزادانه اموال دیپلماتیک و کنسولی.
- 11— تعلیق دعاوی اقامه شده علیه ایران در دادگاههای امریکا به جای ختم آنها.
- 12— قصور در ختم دعاوی که در صلاحیت دادگاههای ایران قرار دارند.
- 13— اجازه دادن به ادامه رسیدگی به دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی احتیاطی و ضمانتنامه‌ها.
- 14— اجازه دادن به اقدامات قضایی برای جلوگیری از حصول مرور زمان در دعاوی امریکاییان علیه ایران و در محاکم امریکا.
- 15— عدم ممانعت از تعقیب دعاوی اتباع امریکا در خارج از کشور.
- 16— قصور در ابطال قرارهای تأمین صادره در زمان قبل از انسداد.
- 17— قصور در ایفای نقشی فعال برای ابطال قرارهای تأمین صادره در دوران انسداد.
- 18— عدم ابطال احکام.
- این پرونده هم اکنون تحت رسیدگی قرار دارد.

